

طوری که در کنار هر رویداد، نشست تخصصی، نمایش فیلم و تبادل نظر هنرمندان با نگاه نقادانه را هم داشته‌ایم. یا دوسالانه‌ها که در این دوره که با میزبانی استان‌ها برگزار شده و اطمینان دارم این روند در ادوار آینده هم ادامه خواهد داشت. مهم‌تر این که از سال ۹۲ تصویب سند ملی هنرهای تجسمی بر زمین مانده بود، در حالی که این مسئله زمانی که نقشه مهندسی فرهنگی کشور تدوین شده بود جزو الزامات محسوب شد ولی سال‌ها بود که خاک می‌خورد. از سال ۱۳۹۹ این کار را شروع کردیم و امروز به نقطه‌ای رسیده که در حال تصویب در شورای عالی هنر است. بازنگری طرح مجسمه و یادمان‌ها هم از جمله فعالیت‌هایی بوده است که در این دوره انجام داده‌ایم و سعی کردیم این حیطة را به جایی برسانیم که قابل پیگیری باشد. همین‌طور سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر بازار هنرهای تجسمی ایران که قصد داریم به توسعه حراجی‌ها و آرت‌فراها بپردازیم. این اتفاق در شورای هنر مطرح شده و دارد برای تصویب به شورای عالی فرهنگی می‌رود. یکی از نکاتی که در سطح کلان مسئله جدی من است، بازارچه «لاله» است. این که چرا چنین ظرفیت ارزشمندی نباید در اختیار هنر و هنرمندان کشورمان قرار بگیرد من را اذیت می‌کند. نکته دیگر این که برای ما باورم گنجینه موزه این شایستگی را دارد که ماه به ماه و سال به سال به روز شود. البته قرار است به زودی تعدادی اثر به گنجینه اضافه شود.

منظور تان از آثار داخلی است یا خارجی؟

اغلب، آثار داخلی، ولی قرار است چند اثر خارجی هم در این بین باشد. به هر حال علاقه‌مند هستیم که این اتفاق ضابطه‌مند و ماندگار شود. احیای تمام دوسالانه‌ها هم در این دوره مدنظر ما بوده است، خیلی دوست داشتیم که دوسالانه عکس دوباره بعد از گذشت دوازده سیزده سال دوباره پا بگیرد یا دوسالانه نقاشی که امیدوارم برپایی هر دوی این رویدادها به زودی محقق شود.

بعضی از هنرمندان معتقدند هنر معاصر ایران در سال‌های اخیر مجالی برای دیده شدن در سطوح بین‌المللی را پیدا نکرد، نظر شما در این باره چیست؟

نه تنها در سال‌های اخیر که در حال حاضر این مسئله چالش قرن به شمار می‌رود. در واقع در قرن چهاردهم هجری شمسی که گذشت، قرنی بود که آثار هنرمندان آن‌طور که باید در دنیا دیده نشد. دوسالانه و نیز شاخص مهمی در این زمینه است که تا امروز ۱۲۸ دوره از این رویداد می‌گذرد و مافقط در ۱۰ دوره آن شرکت کرده‌ایم که هشت دوره آن بعد از انقلاب بوده است. در دهه ۵۰ که ونیز داشت زیرآب می‌رفت، یک وام نیم‌میلیارد دلاری از سوی ایران به ونیز داده شد و همچنین، از ایران یک کمک ۳۰ میلیون لیری به ونیز صورت گرفت. به طوری که وقتی رییس جمهور ایتالیا در سال ۵۳ به ایران آمد از کمک‌های ایران قدردانی کرد و حتی برای این اتفاق تمیر چاپ شد؛ اما این‌ها به هنر ایران کمکی نکرد. در حالی که اگر بخش اندکی از آن مبالغ صرف این می‌شد که ایران از یک فضای دائمی در بینال ونیز برخوردار باشد امروز شرایطمان بهتر بود. با این حال، امروز در سطح مسائل، اهداف، سیاست‌ها اقداماتی برای حضور بین‌المللی هنرمندان ایرانی و افزایش صادرات آثار هنرهای تجسمی ایران در دنیا انجام داده‌ایم و ساز و کارهای ویژه‌ای در این زمینه صورت گرفته است. ما سعی کرده‌ایم تمام آنچه که در این زمینه است را در سند ملی هنرهای تجسمی بیاوریم تا این مسئله دست مسئولین هنرهای تجسمی را در آینده بازتر کند.

نکته‌ای هست که بخواهید به پایان گفت‌وگو اضافه کنید؟

ما دو رویداد مهم در پیش داریم که یک از این‌ها سی و یکمین جشنواره تجسمی جوانان است که برای نخستین بار در بنیاد ملی نخبگان به عنوان رویداد سطح ۱ تعریف شده است و برگزیدگان آن می‌توانند در مسیر نخبگی ورود کنند و این امر تسهیلات خوبی را برایشان ایجاد کند. این جشنواره از روز ۱۹ تا ۲۳ شهریورماه برگزار خواهد شد و هنرمندان هجده تا بیست و پنج ساله می‌توانند آثار خود را به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند. بحث دیگر درباره دوسالانه سفال و سرامیک است که دوازدهمین دوره آن در آذر ماه به میزبانی استان یزد برگزار خواهد شد که آن هم در نوع خود رویدادی ویژه است و اطمینان دارم با توجه به شور و شوق هنرمندان این عرصه به خوبی برگزار می‌شود.

حضور هنرمندان تجسمی نقد داشتند.

بعضی از هنرمندان به مضمون بینال ایراد گرفتند و من هم قبلا این توضیح را داده بودم که ما از بین مجموعه‌های حاضر و آماده انتخاب کردیم. تعجب می‌کنم که بعضی‌ها می‌گویند نمایشگاه آثار هنرمندان ایرانی در دوسالانه ونیز مناسبتی بوده است، در حالی که تمام دنیا دارد امروز نام فلسطین را فریاد می‌زند. صحبت کردن از فلسطین یک مسئله انسانی است و به خاک و خون کشیده شدن ۴۰ هزار زن و کودک را نمی‌توان نادیده گرفت. این مسئله‌ای است که امروز طراحان بزرگ مد دنیا و بزرگ‌ترین هنرمندان شناخته شده روی آن کار می‌کنند. منتهی بعضی از هنرمندان دنیا فکر می‌کنند که باید به شکل روشنفکر مابانه مسئله فلسطین را نادیده گرفت یا درباره آن حرف نزد و آن را اتفاقی مناسبتی تلقی کرد. این فکر ناصوابی است و ما مضمون درستی را برای آثار این دوره از دوسالانه انتخاب کردیم.

ولی انتخاب چنین مضامینی باعث نمی‌شود تا هنر سیاست‌زده شود؟

امیدوارم این نکته جا بیفتد که ماجرای فلسطین سیاسی نیست. کسانی که همین امروز در دانشگاه‌های آمریکا چادر زده و از فلسطین حمایت می‌کنند هم مسئله‌شان سیاست نیست، انسانیت است. نمی‌خواهم بگویم که نقد بعضی از هنرمندان نسبت به دوسالانه ونیز وارد نیست، شاید اگر مجموعه حاضر و آماده دیگری بود و می‌توانستیم از آن استفاده کنیم و نام و طراز هنرمندان آن مشابه طراز هنرمندان این مجموعه بود حتما از آن بهره می‌گرفتیم. ولی این که به یک عده هنرمند برچسب بزنیم و بگویم که مناسبتی کار کرده‌اند و فکر کنیم که آنها به جای این مضمون، باید تخیلات و تمایلات نفسانی خود را بر روی بوم تصویر می‌کردند تفکر نادرستی است. البته غالب هنرمندان ما نگاه‌شان نسبت به فلسطین نگاه انسانی است. در مجموع، هر رویدادی با نقد رو به رو است، حالا شما ونیز را مثال زدید، در حالی که در جشنواره‌های دیگر هم چنین انتقاداتی وجود دارد. ولی برخی از نقدها که ایرادات فنی به دوسالانه ونیز وارد شده بود را می‌پذیرم و اگر شرایطی برای تکرار داشته باشیم قطعا در برطرف کردن ایرادات فنی تلاش خواهیم کرد.

باز هم یک دوره دیگر گذشت و تمام شد ولی طرح تخصیص یک درصد از بودجه عمرانی کشور به خرید آثار هنری میسر نشد؛ این طرحی است که خاطر م است از سال ۱۳۸۳ در اولین اکسپو مطرح شد و اگر اشتباه نکنم در آن زمان وزارت صنعت و معدن برخی از آثار هنری که خریداری کرده بود را استرداد کرد و این طرح تا امروز عملی نشده است، بالاخره تکلیف این مسئله چه خواهد شد؟

در گذشته این اتفاق در دوره‌ای افتاد که زیرساخت قانونی آن هنوز فراهم نشده بود و ذی‌حسابان نتوانسته بودند با آن کنار بیایند، چون می‌بایست ناظر به قوانین، بودجه این کار فراهم شود. در اواخر دولت دهم این مورد تبدیل به یک بند در قانون بودجه شد، قانون بودجه هم سالیانه است و ممکن است امسال باشد و سال بعد نباشد. در این دولت، یک درصد الزام آور برای فعالیت‌های فرهنگی در نظر گرفته شده بود، ولی صرف خرید آثار هنری نبود. کاری که الان داریم در این زمینه انجام می‌دهیم این است که در سند ملی هنرهای تجسمی جای پای این مسئله را محکم کرده‌ایم و الزام دستگاه‌ها؛ نه فقط دولتی که صنایع بزرگ به خرید آثار هنری تصریح شده است. در جلسه شورای عالی هنر که با حضور وزیر محترم فرهنگ برگزار شد، ایشان هم اشاره داشتند تا به الزام این مسئله تاکید شود و بر مبنای این مسئله، به سراغ مقررات و آیین‌نامه‌های پستی برویم. امیدوارم که با تصویب سند ملی هنرهای تجسمی در شورای انقلاب فرهنگی شرایط این مسئله فراهم شود.

با این حال با توجه به تغییر دولت و جایگزینی دولت جدید، اگر شما از سمت خود کناره‌گیری کنید چه طرح و برنامه‌ای دارید که با رفتن شما ناتمام خواهد ماند؟

تلاش بنده و همکارانم در این دوره محدود ۱۴ ماه، این بوده که فعالیت‌ها را به گونه‌ای تعریف کنیم که خیلی نیمه‌تمام ماندن معنا نداشته باشد. کما این که بعضی از فعالیت‌ها جنبه ریل‌گذاری داشته است. نمونه آن رویکرد موزه هنرهای معاصر تهران است که در دوره مدیریتی من به سمت پژوهشی شدن و جریان ساز شدن رفت. به

سنجیده باشیم. از همه مهم‌تر، مسئله معیشت و کسب و کار آدم‌هایی است که نمی‌خواهیم آسیبی به آنها برسد. با وجود آن که بازارچه لاله بخشی از زمین‌های موزه است، تا امروز حتی یک ریال اجاره هم به موزه تعلق نگرفته است. ما در این زمینه حکم ماده ۱۰۰ را داریم که براساس آن این زمین‌ها باید به موزه برگردانده شود. اگر در سطح ملی چاره‌اندیشی شود و بتوانیم در این زمینه به راه کار مشخصی برسیم، فازهای عملیاتی مشخص می‌شود و در کمال وفاق و آرامش این محیط را که متعلق به هنرمندان بوده است باز پس می‌گیریم.

خاطر م هست در دوره مدیریت آقای اسلامی کولایی که مدیریت نسبتا کوتاهی هم بود ایشان به این مسئله اشاره داشت که یکی از اقدامات درباره بازارچه «لاله» تبدیل این محیط به فضایی برای اضافه شدن نگارخانه‌های موزه است. منظورشان این بود که نگارخانه‌های جدید به موزه اضافه شود.

در جلساتی هم که تا امروز در این باره برگزار شده چنین پیشنهادی را مطرح کرده‌ایم. همان‌طور که می‌دانید در حال حاضر ۹ نگارخانه در موزه وجود دارد و ما علاقه‌مندیم که تعداد این نگارخانه‌ها با بازپس‌گیری فضای بازارچه «لاله» دو برابر شود.

با تغییر مدیریت‌ها همیشه بخشی از طرح و برنامه‌های وعده داده شده ناتمام می‌ماند و این مسئله امروز و دیروز هم نیست، در دوره مدیریت شما اگر چه با تعدد رویدادهای هنری مواجه بودیم، اما بیشترین تمرکز بر روی برگزاری جشنواره و نمایشگاه‌های خوشنویسی بود، این مسئله دلیل خاصی داشت؟

ببینید ما یا باید پای حرف خودمان مبتنی بر مردم‌سپاری باشیم یا نباشیم. اگر پای این مسئله هستیم باید بدانیم طبعاً انجمن‌های تخصصی که طرح‌های بیشتری ارائه می‌دهند مورد حمایت بیشتری هم قرار می‌گیرند و خوشنویسی از جمله این هنرها بوده است. وقتی ساختار خوبی برای برپایی دوسالانه خوشنویسی که تنها دوسالانه منظم به لحاظ برگزاری در این سال‌ها بوده است و تشکل تخصصی آن که انجمن خوشنویسان ایران است در این زمینه نقش زیادی داشته است، مسلم است که حمایت بیشتری هم از رویدادهای با این محور شکل می‌گیرد. اگر چه ما از رویدادهای دیگر هنری هم حمایت کرده‌ایم، کما این که طی این مدت با انجمن هنرمندان سفالگر نشست‌هایی داشته‌ایم و برپایی دوسالانه سفال و سرامیک را در ماه‌های آتی برنامه ریزی کرده‌ایم. همین‌طور با انجمن طراحان گرافیک تعاملاتی انجام داده‌ایم تا بتوانیم با هم به همکاری بیشتری بپردازیم. بنابراین خیلی مهم است که خود آن تشکل تخصصی چقدر فعال باشد. حتی به نظر من سال‌ها بود که از تشکل‌های استان‌ها حمایتی صورت نگرفته بود و این اتفاق امسال رقم خورد. هر چند عدد چندانی نبود اما تلاش کردیم تا برای تک‌تک انجمن‌های هنرهای تجسمی استان‌ها این کار صورت بگیرد و به ظرفیت هنر استان‌ها توجه بیشتری شود. اگر می‌بینید که خوشنویسی در این مدت تعدد برنامه داشته به خاطر فعال بودن تشکل خوشنویسی است. ای کاش همه انجمن‌ها به جای آن که گوشه‌ای بنشینند، مانند تشکل خوشنویسی وارد میدان عمل شوند. در حال حاضر ما با انجمن مجسمه‌سازان نشست‌هایی درباره دوسالانه مجسمه‌سازی برگزار کرده‌ایم. علاوه بر آن، با مجموعه انجمن نگارگران هم گفت‌وگو‌هایی داشته‌ایم که حاصل آن برگزاری دوسالانه نگارگری در ماه‌های پیش رو است.

یک سوال هم درباره بینال ونیز داشتیم، بعضی از هنرمندان نسبت به چگونگی انتخاب آثار هنرمندانی که در این رویداد شرکت داده شدند ناراضی بودند، نقد این گروه از هنرمندان را شنیدید؟

بله و حتی با بعضی از هنرمندان منتقد صحبت هم کردم. به نظر من رویدادهای هنری مثل دوسالانه‌ها و جشنواره‌ها همیشه با انتقاداتی از این دست مواجه بوده است و همواره شاهد صحبت‌هایی مبنی بر این که چرا اثر من به آن رویداد برده نشد و اثر دیگری برده شد وجود داشته است.

به نظر می‌رسد که آن دسته از هنرمندان بیشتر به مناسبتی بودن بینال ونیز در این دوره و تنگ بودن دایره